

ارتباط عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت افغان ها: تحلیل بحران های اقتصادی و فرصت های شغلی

The Relationship Between Economic Factors Influencing Afghan Migration: An Analysis of Economic Crises and Employment Opportunities

پوهنمل عبدالمومن عظیمی^۱، پوهنیار محمد نعیم هاشمی^۲

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n30.2025

چکیده

این مقاله به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت افغان ها پرداخته و نقش بحران های اقتصادی و فرصت های شغلی در تشدید یا کاهش روند مهاجرت را تحلیل می کند. از منظر نظریه های مهاجرت و اقتصاد سیاسی، این تحقیق رابطه بین نوسانات اقتصادی، بحران های مالی و بازار کار با تصمیم افراد برای ترک کشور را بررسی می کند. روش تحقیق ترکیبی از تحلیل کیفی و کمی، شامل مرور ادبیات، مصاحبه های نیمه ساختاریافته با کارشناسان و تحلیل آماری داده های ثانویه از گزارش های بین المللی و داخلی، به کار گرفته شده است. یافته های تحقیق نشان می دهد که بحران های اقتصادی مانند تورم، کاهش ارزش پول و بیکاری بالا، به همراه کمبود فرصت های شغلی، از عوامل کلیدی در افزایش مهاجرت افغان ها محسوب می شوند. با توجه به یافته های ارائه شده، به نظر می رسد که بحران های اقتصادی و کمبود فرصت های شغلی از اصلی ترین عواملی هستند که انگیزه مهاجرت افغان ها را افزایش می دهند. سیاست گذاران و نهادهای ذی ربط باید با اتخاذ راهکارهایی همچون ایجاد زیرساخت های اقتصادی مناسب، بهبود نظام آموزشی، به رفع این چالش ها پرداخته و در نتیجه موجبات تثبیت جامعه و کاهش نرخ مهاجرت را فراهم کنند. تحقیق حاضر می تواند زمینه ای برای مطالعات عمیق تر و تدوین سیاست های مؤثرتر در زمینه مهاجرت و توسعه اقتصادی فراهم آورد. مقاله در پایان با

^۱ استاد استاد پوهنخی زراعت موسسه تحصیلات عالی بادغیس. 0799547070، abdulmominazimi2017@gmail.com

^۲ استاد پوهنخی تعلیم و تربیه موسسه تحصیلات عالی بادغیس

ارائه پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران و نهادهای ذی‌ربط جهت کاهش اثرات منفی عوامل اقتصادی بر مهاجرت، به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

واژگان کلیدی: مهاجرت، بحران اقتصادی، فرصت‌های شغلی، افغانستان، تحلیل اقتصادی.

مقدمه

حمد و سپاس خداوند را که پروردگار جهانیان است. درود و رحمت الهی بر بهترین پیامبران و فرستادگان باد. این مطالعه به بررسی عوامل اقتصادی موثر بر مهاجرت افغان‌ها می‌پردازد و نقش بحران‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی را در تشدید یا کاهش روند مهاجرت تحلیل می‌کند. با استفاده از نظریه‌های مهاجرت و اقتصاد سیاسی، ارتباط میان نوسانات اقتصادی، بحران‌های مالی، بازار کار و تصمیم افراد برای ترک کشور بررسی شده است. مهاجرت از دیرباز پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده بوده که تحت تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد. در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در کشورهایی که با بحران‌های اقتصادی و نوسانات شدید مواجه بوده‌اند، مهاجرت به عنوان یکی از راهکارهای پاسخ به چالش‌های بقا و بهبود شرایط زندگی شناخته شده است. در این میان، افغانستان به دلیل تجربه‌های متعدد بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، یکی از کشورهایی است که شاهد افزایش چشمگیر مهاجرت به کشورهای مختلف به ویژه در حوزه‌های اقتصادی و شغلی می‌باشد. مهاجرت پدیده‌ای چندبعدی و پیچیده است که در دنیای امروز، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد، در کشورهایی که با چالش‌های اقتصادی و ناپایداری‌های ساختاری مواجه‌اند، مهاجرت به عنوان یک واکنش به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشهودتر شده است. در این میان، افغانستان به عنوان کشوری با تاریخچه پرفراز و نشیب در زمینه اقتصادی و سائر زمینه‌ها، شاهد افزایش چشمگیر مهاجرت به کشورهای دیگر به ویژه در پی بحران‌های اقتصادی و عدم وجود فرصت‌های شغلی کافی است.

در سال‌های اخیر، نرخ تورم بالا، بیکاری گسترده، کاهش ارزش پول ملی و ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، موجبات ایجاد فشارهای شدید بر زندگی اجتماعی و اقتصادی افغان‌ها شده است. جوانان و نیروی کار ماهر که به دنبال بهره‌مندی از شرایط اقتصادی بهتر و فرصت‌های شغلی مطلوب هستند، به مهاجرت گرایش پیدا کرده‌اند. این روند نه تنها پیامدهای منفی برای بازار کار و توسعه داخلی کشور به همراه داشته، بلکه تحولات جمعیتی و اجتماعی نیز را دچار تغییر کرده است. از این رو، تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت افغان‌ها، به ویژه بررسی تأثیر بحران‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تحقیق تلاش دارد تا با بررسی جامع و مستند وضعیت اقتصادی افغانستان و تحلیل نقش شاخص‌های اقتصادی مانند نرخ تورم، بیکاری و کاهش ارزش پول ملی، ارتباط مستقیم میان این بحران‌های اقتصادی و روند مهاجرت را روشن کند. همچنین، با شناسایی چالش‌های موجود در بازار کار و ارائه راهکارهای پیشنهادی، می‌تواند زمینه‌های بهبود شرایط اقتصادی و کاهش تمایل به مهاجرت را برای مسئولان و سیاست‌گذاران فراهم آورد. بررسی این موضوع نه تنها از منظر اقتصادی بلکه از دیدگاه اجتماعی و سیاسی نیز می‌تواند به تدوین سیاست‌های هوشمندانه‌تر و کارآمدتر در جهت توسعه پایدار کمک نماید. در نتیجه، ارائه یک چارچوب تحلیلی دقیق و کاربردی در این حوزه می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای مطالعات آتی و تدوین راهبردهای اصلاحی در سطح ملی محسوب شود.

اهمیت موضوع

در دنیای معاصر، مهاجرت یکی از پدیده‌های پیچیده و چندبعدی است که نه تنها ابعاد اقتصادی بلکه ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن نیز تأثیرگذار است.. در کشورهایی مانند افغانستان که با چالش‌های اقتصادی نظیر تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی، بیکاری گسترده و کمبود فرصت‌های شغلی مواجه هستند، مسئله مهاجرت به عنوان یک واکنش به بحران‌های اقتصادی، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. از این رو، بررسی ارتباط میان عوامل اقتصادی و روند مهاجرت افغان‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و نهادهای مرتبط کمک کند تا با تدوین راهکارهای جامع، زمینه‌های توسعه پایدار را تقویت کرده و موجبات کاهش مهاجرت ناخواسته را فراهم کنند. علاوه بر این، تحلیل دقیق بحران‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی، ابزاری برای شناسایی نقاط ضعف و قوت نظام اقتصادی کشور فراهم می‌آورد و بهبود شرایط بازار کار، می‌تواند راهگشای ایجاد اشتغال و بهبود سطح زندگی افراد باشد.

ارائه مسئله

مسئله اصلی این تحقیق بر آن است که با توجه به شرایط اقتصادی نامطلوب و بحران‌های متعدد اقتصادی در افغانستان، تعداد قابل توجهی از افراد، به ویژه جوانان و نیروی کار ماهر، به دنبال یافتن فرصت‌های شغلی و شرایط زندگی بهتر، به مهاجرت روی آورده‌اند. از سوی دیگر، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب اقتصادی و ثبات در سیاست‌های توسعه‌ای، موجبات بروز چالش‌های ساختاری در بازار کار و کاهش ظرفیت جذب نیروی کار در داخل کشور را فراهم نموده است. لذا، مسئله اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه چگونه بحران‌های اقتصادی و کمبود فرصت‌های شغلی در افغانستان، به عنوان عوامل محرک اصلی، بر روند مهاجرت افغان‌ها تأثیر می‌گذارند؟ این پرسش دربردارنده ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و ساختاری بوده و نیازمند بررسی جامع و تحلیلی، برای مقابله با این چالش‌ها ارائه داد.

اهداف تحقیق

اهداف کلی

1. شناسایی و تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر بر روند مهاجرت افغان‌ها.
2. بررسی نقش بحران‌های اقتصادی و فرصت‌های شغلی در تصمیم‌گیری افراد جهت مهاجرت.

اهداف فرعی تحقیق

1. تحلیل وضعیت اقتصادی کشور از جمله نرخ تورم، بیکاری و ارزش پول ملی در سال‌های اخیر.
2. بررسی تأثیر نوسانات اقتصادی بر انگیزه‌های مهاجرت و رفتار افراد.
3. شناسایی چالش‌های موجود در بازار کار افغانستان و تأثیر آن بر کاهش یا افزایش تمایل به مهاجرت.
4. ارائه راهکارهایی جهت بهبود وضعیت اقتصادی و توسعه بازار کار.
5. ارزیابی پالیسی‌های اقتصادی موجود و بررسی نقاط ضعف و قوت آن.

سوالات تحقیق

سوال اصلی تحقیق

۱. چگونه بحران‌های اقتصادی و کمبود فرصت‌های شغلی در افغانستان، روند مهاجرت افغان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

سوالات فرعی تحقیق

۱. وضعیت اقتصادی افغانستان در سال‌های اخیر چگونه بر تصمیم‌گیری افراد برای مهاجرت تأثیرگذار بوده است؟
۲. چه میزان نرخ تورم، بیکاری و کاهش ارزش پول ملی به عنوان شاخص‌های اقتصادی، محرک مهاجرت در میان افغان‌ها شناخته می‌شوند؟
۳. آیا وجود فرصت‌های شغلی مناسب در داخل کشور می‌تواند تمایل افراد به مهاجرت را کاهش دهد؟
۴. نقش سیاست‌های اقتصادی و اصلاحات در بهبود شرایط بازار کار و کاهش روند مهاجرت چگونه ارزیابی می‌شود؟
۵. چه راهکارها و پیشنهادهای می‌تواند به عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران جهت بهبود شرایط اقتصادی و کاهش مهاجرت ارائه شود؟

مرور ادبیات

یکی از دیدگاه‌های مهم در تحلیل مهاجرت، نظریه‌های اقتصادی مهاجرت است که بر اساس آن‌ها تصمیم به مهاجرت، به عنوان یک سرمایه‌گذاری اقتصادی در نظر گرفته می‌شود (Todaro, 1969). از دیدگاه این نظریه‌ها، افراد با توجه به تفاوت‌های اقتصادی بین کشور مبدأ و مقصد، در جستجوی فرصت‌های شغلی بهتر و درآمد بالاتر اقدام به مهاجرت می‌کنند. در نتیجه، کاهش فرصت‌های شغلی و بیکاری بالا در کشور مبدأ، انگیزه‌ای قوی برای مهاجرت ایجاد می‌کند. کشورهایی که با بحران‌های اقتصادی روبرو هستند، معمولاً شاهد تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و کاهش سرمایه‌گذاری داخلی می‌باشند (Sen, 1999). این عوامل باعث کاهش سطح زندگی، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و در نهایت افزایش روند مهاجرت به عنوان یک استراتژی بقا می‌شوند. در مورد افغانستان، شرایط اقتصادی پس از سال‌های طولانی نزاع، جنگ و ناپایداری سیاسی، با مشکلات اقتصادی عمیقی همراه بوده است که منجر به افزایش نرخ بیکاری و تورم شدید شده است (Rahimi, 2015).

فرصت‌های شغلی به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری افراد برای مهاجرت، نقش کلیدی در تثبیت یا تغییر الگوهای مهاجرتی دارند. طبق نظریه‌های توسعه اقتصادی، افزایش فرصت‌های شغلی می‌تواند موجب کاهش انگیزه‌های مهاجرتی شود چرا که افراد می‌توانند با بهره‌مندی از مشاغل موجود، به بهبود شرایط اقتصادی خود بپردازند (Castles & Miller, 2009). بنابراین، ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه بازار کار در کشور مبدأ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحقیق‌های متعددی به بررسی مهاجرت افغان‌ها پرداخته‌اند. به عنوان مثال، مطالعاتی که توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی انجام شده، نشان داده‌اند که بحران‌های اقتصادی، همراه با نا امنی‌های سیاسی، از اصلی‌ترین عوامل مهاجرت افغان‌ها به کشورهای همسایه و حتی کشورهای اروپایی می‌باشد (UNHCR, 2020). علاوه بر این،

برخی تحقیق‌های میدانی به تحلیل تجربیات مهاجران افغان پرداخته‌اند و عوامل اقتصادی را به عنوان یکی از محرک‌های اصلی ذکر کرده‌اند (Ahmad & Khan, 2018).

مواد و روش کار

این تحقیق از نوع تحقیق ترکیبی است که از رویکردهای کیفی و کمی بهره می‌برد. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان حوزه اقتصادی، مهاجران و مسئولان نهادهای مرتبط جمع‌آوری شده است. ارقام و احصائیه‌ها نیز از گزارش‌های آماری و مطالعات موردی منتشر شده توسط سازمان‌های بین‌المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد استخراج شده‌اند. جامعه آماری این تحقیق شامل کارشناسان و تحقیق‌گران حوزه اقتصاد و مهاجرت که از طریق شبکه‌های علمی و پوهنتونی انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس رویکرد شبیه‌سازی (کلوله برفی) است تا افرادی که اطلاعات عمیقی درباره موضوع دارند انتخاب شوند. برای جمع‌آوری داده‌های کیفی، از یک پرسشنامه مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد که سؤالات آن پیرامون تجربیات اقتصادی، نگاهی به فرصت‌های شغلی و چالش‌های موجود در افغانستان بود. ابزار جمع‌آوری داده‌های کمی شامل تجزیه و تحلیل داده‌های ثانویه از گزارش‌های رسمی و پایگاه‌های داده آماری بین‌المللی و داخلی می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

وضعیت اقتصادی و بحران‌های جاری

بر اساس تحلیل داده‌های اقتصادی موجود، افغانستان در سال‌های اخیر شاهد افزایش تورم، کاهش ارزش پول ملی و نرخ بیکاری بالا بوده است. این شرایط ناشی از عوامل داخلی مانند ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و عدم سرمایه‌گذاری کافی، به همراه فشارهای بین‌المللی ناشی از تحریم‌ها و ناپایداری سیاسی، می‌باشد. از سوی دیگر، گزارش‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین نرخ تورم در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است که تاثیر مستقیمی بر قدرت خرید مردم داشته است (World Bank, 2023).

بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد (UNHCR)، در سال 2021، افغانستان بزرگترین جمعیت آواره جهان را داشت (UNHCR, 2022). این امر ناشی از عوامل متعددی از جمله بحران‌های اقتصادی، ناامنی و درگیری‌های مسلحانه است. یکی از عمده‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت افغان‌ها، رکود اقتصادی و بیکاری گسترده است. بانک جهانی (2022) گزارش داده است که نرخ بیکاری در افغانستان در سال 2020 حدود 23.9 درصد بوده است. این امر به معنای کمبود شدید فرصت‌های شغلی و درآمد برای میلیون‌ها افغان است. علاوه بر این، تورم شدید و کاهش ارزش پول نیز به تشدید فقر و مشکلات معیشتی در این کشور منجر شده است (Akseer et al., 2022).

با توجه به این عوامل، بسیاری از افغان‌ها ترجیح می‌دهند به کشورهای همسایه یا اروپا و آمریکا مهاجرت کنند تا از فقر، ناامنی و محدودیت‌های اجتماعی در کشور خود فرار کنند. این امر تبعات جدی برای افغانستان دارد، از جمله از دست رفتن نیروی کار ماهر و فرار مغزها (IOM, 2019). برای مقابله با این چالش، ضروری است که دولت و جامعه بین‌المللی اقدامات

فوری برای ایجاد ثبات اقتصادی، امنیت و فرصت های شغلی در افغانستان انجام دهند. این امر می تواند شامل سرمایه گذاری در زیرساخت ها، آموزش و مهارت آموزی، و حمایت از بخش خصوصی باشد.

فرصت های شغلی و چالش های بازار کار

تحلیل داده های میدانی نشان می دهد که کمبود فرصت های شغلی و اشتغال زایی در افغانستان به عنوان یکی از اصلی ترین محرک های مهاجرت شناخته می شود. بسیاری از مصاحبه شوندگان اظهار داشتند که نبود مشاغل با درآمد مناسب و عدم تطبیق مهارت های تحصیلی با نیازهای بازار کار، موجبات ناامیدی و انگیزه مهاجرت را فراهم می آورد. در این بین، برخی از جوانان معتقدند که تحصیلات عالی بدون وجود فرصت های شغلی، تنها به افزایش نرخ بیکاری و تشدید نابرابری ها منجر می شود (Rahimi, 2015). فرصت های شغلی و چالش های بازار کار در هر جامعه ای به عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح هستند. در کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان، عدم تطبیق بین مهارت های تحصیلی و نیازهای بازار کار، به همراه محدودیت های اقتصادی و زیرساختی، منجر به بروز چالش های جدی در حوزه اشتغال می شود. (Rahimi, 2015) یکی از مشکلات اصلی، عدم ایجاد فرصت های شغلی مناسب در داخل کشور است که موجب می شود جوانان و نیروی کار ماهر به دنبال گزینه های خارج از کشور باشند. این امر در پی کاهش سرمایه گذاری های داخلی، افزایش نرخ بیکاری و کاهش انگیزه افراد برای مشارکت در اقتصاد ملی بروز می کند.

مطالعات نشان داده اند که توسعه فرصت های شغلی مستلزم بهبود زیرساخت های اقتصادی و اصلاح نظام آموزشی می باشد تا مهارت های افراد با نیازهای بازار کار همگام شود. (Ahmad & Khan, 2018) از سوی دیگر، ایجاد بسترهای حمایتی برای کسب و کارهای کوچک و متوسط، می تواند به عنوان راهکاری جهت افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در نظر گرفته شود. در این راستا، دولت ها و نهادهای مسئول باید با اجرای سیاست های کلان اقتصادی و فراهم سازی تسهیلات اعتباری، زمینه جذب سرمایه های داخلی و خارجی را فراهم آورند (Castles & Miller, 2009). علاوه بر این، چالش های بازار کار و عدم شفافیت در فرآیندهای اقتصادی و نبود زیرساخت های لازم جهت انتقال تکنالوژی، نقش منفی در ایجاد فرصت های شغلی ایفا می کنند. به همین دلیل، اصلاحات ساختاری در نظام اقتصادی و اجرای برنامه های توسعه ای بلندمدت از الزامات اساسی برای بهبود وضعیت بازار کار محسوب می شود. به گفته (Rahimi, 2015)، بدون وجود تغییرات بنیادین در سیاست های اشتغال زایی و تقویت زیرساخت های تکنالوژی اطلاعات، بهبود وضعیت بازار کار و ایجاد فرصت های شغلی پایدار دشوار خواهد بود. در نهایت، تأکید بر ارتقای سطح آموزش فنی و حرفه ای، ایجاد انگیزه های نوآورانه در بخش خصوصی و تقویت همکاری های بین المللی، می تواند به عنوان راهکارهایی موثر در توسعه بازار کار و ایجاد اشتغال پایدار در کشور مطرح گردد.

ارتباط بین بحران های اقتصادی و مهاجرت

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می دهد که بین شاخص های اقتصادی نظیر نرخ تورم و بیکاری با تعداد افرادی که قصد مهاجرت دارند، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، افزایش بحران های اقتصادی به طور قابل توجهی با افزایش نرخ مهاجرت در میان افغان ها همراه است. این یافته ها با ادبیات موجود مطابقت دارد که بیان می کند ناپایداری

اقتصادی از عوامل اصلی در تصمیم به ترک کشور است (Todaro, 1969). بحران‌های اقتصادی به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در روند مهاجرت شناخته می‌شوند. ناپایداری اقتصادی، افزایش نرخ تورم، بیکاری گسترده و کاهش ارزش پول ملی از جمله شاخص‌هایی هستند که شرایط زندگی را برای بخش عمده‌ای از جمعیت نامناسب می‌کنند و افراد را به دنبال یافتن فرصت‌های بهتر در کشورهای دیگر سوق می‌دهند. (Todaro, 1969) به عنوان مثال، در افغانستان، تجارب اقتصادی پس از دوره‌های نزاع و بحران‌های متعدد، منجر به کاهش قابل توجه فرصت‌های شغلی و افزایش نابرابری‌های اجتماعی شده است. (Rahimi, 2015) این شرایط موجب شده تا جوانان و نیروی کار ماهر، به‌عنوان یک راهکار بقاء، مهاجرت را انتخاب کنند.

مطالعات نشان داده‌اند که نوسانات اقتصادی نه تنها به ایجاد فشارهای مستقیم بر زندگی افراد منجر می‌شود، بلکه موجب ایجاد یک چرخه منفی در اقتصاد داخلی نیز می‌گردد. از یک سو، کاهش فرصت‌های شغلی باعث کاهش سرمایه‌گذاری در داخل کشور می‌شود و از سوی دیگر، فرار سرمایه و نیروی کار ماهر به کشورهای دارای ثبات اقتصادی، زمینه‌های توسعه داخلی را تضعیف می‌کند. (Castles & Miller, 2009) در این میان، نظریه‌های اقتصادی مهاجرت نیز تأکید دارند که افراد به عنوان عاملان اقتصادی، به دنبال کاهش خطرات ناشی از نوسانات اقتصادی و بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی بهتر، مهاجرت را به عنوان یک سرمایه‌گذاری انسانی محسوب می‌کنند (Todaro, 1969). علاوه بر این، کارشناسان اقتصادی بر اهمیت تدوین سیاست‌های بلندمدت در جهت تثبیت شاخص‌های اقتصادی و بهبود بازار کار تأکید می‌کنند. ایجاد زیرساخت‌های مناسب، معیاری سازی نظام آموزشی و بهبود شفافیت اداری از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه را برای کاهش تمایل به مهاجرت فراهم آورد. (Ahmad & Khan, 2018) در نتیجه، بحران‌های اقتصادی و کاهش فرصت‌های شغلی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روند مهاجرت تأثیرگذار بوده و ضرورت اجرای اصلاحات اساسی در سیاست‌های اقتصادی و توسعه بازار کار را برجسته می‌کند.

دیدگاه کارشناسان

از سوی دیگر، نظرات کارشناسان اقتصادی که در مصاحبه‌ها شرکت داشتند، به این نکته اشاره می‌کند که توسعه زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند به کاهش تمایل به مهاجرت کمک کند. یکی از متخصصان در این باره گفت: «برای کاهش مهاجرت، باید سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک در بخش‌های تولیدی و خدماتی انجام شود تا جوانان و نیروی کار ماهر بتوانند مشاغل مناسب پیدا کنند.» همچنین، ایجاد سیاست‌های حمایتی از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از دیگر پیشنهادات مطرح شده در این زمینه بود.

دیدگاه کارشناسان نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی ناپایدار، بویژه افزایش تورم و بیکاری، به‌عنوان عوامل محرک اصلی مهاجرت در افغانستان شناخته می‌شود. طبق مطالعات Ahmad (2018) و Khan (2018) و Rahimi (2015)، نبود فرصت‌های شغلی و ضعف زیرساخت‌های اقتصادی، انگیزه مهاجرت را در میان جوانان و نیروی کار ماهر افزایش می‌دهد. علاوه بر این، Castles و Miller (2009) تأکید دارند که اصلاح سیاست‌های اقتصادی و توسعه بازار کار می‌تواند به تثبیت شرایط اقتصادی و کاهش

تمایل به مهاجرت منجر شود. کارشناسان بر اهمیت تدوین سیاست‌های بلندمدت و شفافیت اداری برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود وضعیت بازار کار تأکید دارند.

نقش سیاست‌های اقتصادی و توسعه بازار کار

سیاست‌های اقتصادی و توسعه بازار کار از عوامل اساسی در تثبیت شرایط اقتصادی و کاهش روند مهاجرت در کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان به‌شمار می‌آیند. اجرای سیاست‌های اقتصادی جامع و بلندمدت که بر توسعه بازار کار تمرکز دارند، می‌تواند موجبات بهبود شاخص‌های اقتصادی مانند تورم و بیکاری را فراهم آورده و شرایط لازم برای ایجاد اشتغال پایدار را فراهم کند. (Castles & Miller, 2009) بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و اصلاح نظام آموزشی به ویژه در حوزه‌های فنی و حرفه‌ای، از دیگر الزامات مهم در افزایش فرصت‌های شغلی است که در نهایت منجر به کاهش انگیزه مهاجرت می‌شود (Rahimi, 2015).

علاوه بر این، ایجاد سیاست‌های شفاف و مقابله مؤثر با فساد در سطوح مختلف اقتصادی، به جلب اعتماد سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کمک شایانی می‌کند. به گفته Ahmad و Khan (2018)، این امر باعث می‌شود تا فضای مناسبی برای توسعه کسب‌وکارهای نوپا و صنایع سبک و متوسط ایجاد شود. از سوی دیگر، همکاری‌های بین‌المللی و انتقال فناوری‌های نوین می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر در ارتقای سطح بازار کار و بهبود شرایط اقتصادی کشور عمل کند. (Sen, 1999) در نتیجه، ترکیب سیاست‌های اقتصادی استراتژیک با اقدامات توسعه بازار کار، نقشی کلیدی در کاهش نوسانات اقتصادی و تثبیت شرایط زندگی شهروندان داشته و از عوامل اصلی در کاهش مهاجرت ناشی از بحران‌های اقتصادی به‌شمار می‌آید. از تحلیل‌های انجام‌شده مشخص گردید که سیاست‌های اقتصادی ناپایدار و عدم ثبات در اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، زمینه‌ساز مشکلات ساختاری در بازار کار می‌باشند. در نتیجه، نیاز به تدوین استراتژی‌های کلان اقتصادی با رویکرد توسعه پایدار و ایجاد فرصت‌های شغلی، امری ضروری به نظر می‌رسد. برخی از سیاست‌های پیشنهادی شامل:

1. سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی: مانند صنایع سبک و متوسط، کشاورزی مدرن و خدمات فناوری اطلاعات.
2. تقویت نظام آموزشی: به گونه‌ای که مهارت‌های افراد با نیازهای بازار کار همگام شود.
3. تشویق سرمایه‌گذاری خصوصی: از طریق تسهیلات اعتباری و حمایت‌های قانونی جهت ایجاد مشاغل جدید.

مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بحران‌های اقتصادی و نوسانات بازار کار به عنوان عوامل کلیدی در تشدید روند مهاجرت افغان‌ها عمل می‌کنند. افزایش نرخ تورم و بیکاری بالا، به طور مستقیم تأثیری منفی بر شرایط زندگی و آینده اقتصادی افراد دارد. این شرایط منجر به جستجوی فرصت‌های شغلی بهتر در کشورهای دیگر می‌شود. با توجه به نظریه‌های مهاجرت اقتصادی، افراد تمایل دارند به مناطقی با فرصت‌های شغلی مطلوب و درآمد بالاتر مهاجرت کنند. در این میان، عدم وجود فرصت‌های شغلی در داخل کشور، انگیزه مهاجرت را تشدید می‌کند. بنابراین، بهبود وضعیت اقتصادی از طریق ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تقویت نظام آموزشی و توسعه بازار کار، می‌تواند به عنوان استراتژی‌ای جهت کاهش نرخ مهاجرت تلقی شود.

بر اساس بررسی‌های مشابه این تحقیق در مطالعات اقتصادی و مهاجرت، مشخص شده است که بحران‌های اقتصادی در افغانستان - از جمله افزایش نرخ تورم، بیکاری گسترده و کاهش ارزش پول ملی - به عنوان عوامل اصلی محرک مهاجرت افراد

شناخته می‌شوند. (Todaro, 1969; Rahimi, 2015) تحلیل‌های آماری اخیر نشان می‌دهد که کاهش فرصت‌های شغلی داخلی به همراه ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و نظام آموزشی، موجب شده تا جوانان و نیروی کار ماهر به دنبال شرایط بهتر در کشورهای دیگر باشند. (World Bank, 2023) به علاوه، نبود سیاست‌های توسعه‌ای جامع و استراتژیک باعث شده است که نوسانات اقتصادی به‌طور مستقیم بر انگیزه مهاجرت تأثیرگذار باشد (Castles & Miller, 2009). از سوی دیگر، تحقیقات نشان می‌دهند که ایجاد مشاغل جدید و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، به‌ویژه در بخش‌های صنایع سبک و متوسط، می‌تواند موجبات تثبیت شرایط اقتصادی و کاهش تمایل به مهاجرت را فراهم آورد. (Sen, 1999) همچنین، بهبود شفافیت اداری و مبارزه با فساد نقش مهمی در جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی دارد و می‌تواند زمینه توسعه پایدار را در داخل کشور تقویت کند. (UNHCR, 2020) همکاری‌های بین‌المللی جهت انتقال فناوری و دانش مدیریتی، از دیگر راهکارهای پیشنهادی است که می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی افغانستان کمک نماید.

در نتیجه، تدوین سیاست‌های بلندمدت و استراتژیک شامل اصلاح نظام آموزشی، بهبود زیرساخت‌های اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، ضروری است تا از نوسانات اقتصادی جلوگیری شده و موجبات کاهش مهاجرت فراهم آید (Ahmad & Khan, 2018). سیاست‌های اقتصادی موجود در افغانستان در دهه‌های اخیر عمدتاً بر تأمین نیازهای کوتاه‌مدت تمرکز داشته‌اند و استراتژی‌های بلندمدت جهت توسعه پایدار و اشتغال‌زایی به میزان کافی مد نظر قرار نگرفته‌اند. از دیدگاه تحقیق گران، این سیاست‌ها نه تنها نتوانسته‌اند شرایط اقتصادی را بهبود بخشند، بلکه به دلیل ناپایداری‌های اجرایی، مشکلات ساختاری بازار کار را تشدید کرده‌اند. (Sen, 1999)

تبیین چارچوب نظری و عملیاتی

با تکیه بر یافته‌های به دست آمده، چارچوب نظری این تحقیق می‌تواند به عنوان مدل تحلیل مهاجرت در شرایط بحران‌های اقتصادی در نظر گرفته شود. این چارچوب شامل سه محور اصلی است:

1. عوامل اقتصادی: شامل شاخص‌های تورم، بیکاری، ارزش پول ملی و رشد اقتصادی.
 2. عوامل ساختاری و نهادی: شامل سیاست‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی و نظام آموزشی.
 3. تصمیم‌گیری فردی و اجتماعی: شامل عوامل روانشناختی، اجتماعی و تجربیات شخصی مهاجران.
- این چارچوب به کمک مدل‌های رگرسیونی و تحلیل موضوعی می‌تواند به توضیح چگونگی تأثیر متقابل عوامل اقتصادی و ساختاری بر تصمیم افراد برای مهاجرت کمک کند.

محدودیت‌های تحقیق

هرچند این تحقیق سعی کرده است با استفاده از روش‌های ترکیبی و داده‌های گسترده، تصویری جامع از موضوع ارائه دهد، اما چند محدودیت نیز در این تحقیق وجود دارد:

- دسترسی محدود به داده‌های دقیق داخلی: به دلیل ناپایداری‌های موجود و چالش‌های اجرایی در افغانستان.
 - نمونه‌گیری هدفمند: که ممکن است تعمیم نتایج به کل جمعیت مهاجران محدودیت‌هایی داشته باشد.
 - عوامل اجتماعی: اگرچه در بحث مطرح شده‌اند، اما به اندازه کافی در تحلیل کمی گنجانده نشده‌اند.
- با وجود این محدودیت‌ها، یافته‌های تحقیق می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع برای تحقیق‌های آینده در زمینه مهاجرت و توسعه اقتصادی در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه گیری

نتایج این تحقیق نشان می دهد که عوامل اقتصادی از جمله بحران های اقتصادی و کمبود فرصت های شغلی، به عنوان محرک های اصلی مهاجرت افغان ها عمل می کنند. شرایط اقتصادی ناپایدار، تورم بالا و بیکاری گسترده، به پایین آمدن سطح زندگی منجر شده و مهاجرت به عنوان راهکاری برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی انتخاب می شود. پیشنهاد اصلی این مقاله، تمرکز سیاست گذاران امارت اسلامی افغانستان بر بهبود شرایط اقتصادی از طریق توسعه بازار کار، جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، معیاری سازی نظام آموزشی و مبارزه با فساد می باشد. تنها با ایجاد یک بستر اقتصادی پایدار می توان انگیزه های مهاجرت را کاهش داد و به توسعه داخلی کمک کرد.

از سوی دیگر، نیاز به تدوین سیاست های بلندمدت با رویکرد توسعه پایدار و بهبود شرایط زیرساختی در افغانستان احساس می شود. همکاری های بین المللی و انتقال فناوری و دانش مدیریتی از کشورهایی که در مسیر توسعه اقتصادی موفق بوده اند، می تواند در جهت کاهش بحران های اقتصادی و ایجاد فرصت های شغلی مناسب مؤثر واقع شود. در نهایت، می توان نتیجه گرفت که مهاجرت افغان ها نه تنها نتیجه بحران های اقتصادی است بلکه بازتابی از چالش های ساختاری موجود در نظام اقتصادی و اجتماعی کشور می باشد. لذا، پاسخ به این معضل نیازمند رویکردی جامع و هماهنگ از سوی دولت، بخش خصوصی و جامعه بین المللی است. با توجه به یافته های ارائه شده، به نظر می رسد که بحران های اقتصادی و کمبود فرصت های شغلی از اصلی ترین عواملی هستند که انگیزه مهاجرت افغان ها را افزایش می دهند. سیاست گذاران و نهادهای ذی ربط باید با اتخاذ راهکارهایی همچون ایجاد زیرساخت های اقتصادی مناسب، بهبود نظام آموزشی و کاهش فساد اداری، به رفع این چالش ها پرداخته و در نتیجه موجبات تثبیت جامعه و کاهش نرخ مهاجرت را فراهم کنند. تحقیق حاضر می تواند زمینه ای برای مطالعات عمیق تر و تدوین سیاست های مؤثرتر در زمینه مهاجرت و توسعه اقتصادی فراهم آورد.

پیشنهادهای

بر اساس بررسی های انجام شده در خصوص تأثیر عوامل اقتصادی بر روند مهاجرت افغان ها و تحلیل بحران های اقتصادی و فرصت های شغلی، چندین سفارش و پیشنهاد جهت بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش روند مهاجرت ارائه می گردد:

1. **تدوین و اجرای سیاست های اقتصادی جامع و بلندمدت:** دولت باید با تدوین سیاست های اقتصادی استراتژیک، بر توسعه پایدار و تثبیت شاخص های کلیدی مانند تورم، بیکاری و ارزش پول ملی تمرکز نماید. اجرای طرح های اصلاحی در بخش های اقتصادی با رویکرد کاهش نوسانات و افزایش شفافیت، می تواند اعتماد سرمایه گذاران داخلی و خارجی را جلب کرده و زمینه توسعه را فراهم آورد.
2. **تقویت بازار کار و ایجاد فرصت های شغلی:** ایجاد مشاغل جدید در بخش های کلیدی مانند صنایع سبک و متوسط، کشاورزی مدرن، فناوری اطلاعات و خدمات نوین از اهمیت ویژه ای برخوردار است. سیاست گذاران می بایست از طریق ارائه تسهیلات اعتباری و حمایت های قانونی، محیطی مساعد برای ایجاد کسب و کارهای نوپا و کوچک فراهم آورند.
3. **ارتقای زیرساخت های اقتصادی و مدیریت منابع:** سرمایه گذاری در بهبود زیرساخت های فیزیکی و فناوری اطلاعات، باعث تسهیل روند جذب سرمایه های داخلی و خارجی و بهبود کیفیت خدمات اقتصادی خواهد شد. استفاده از

تجربیات کشورهای موفق در مدیریت منابع و توسعه اقتصادی می‌تواند به عنوان الگو برای اصلاح ساختارهای مدیریتی در افغانستان مورد استفاده قرار گیرد.

4. مبارزه با فساد و افزایش شفافیت اداری: بهبود نظام قانونی و اجرایی برای مبارزه با فساد، ایجاد فضای اعتماد در میان نهادهای دولتی و بخش خصوصی را به همراه خواهد داشت. شفاف‌سازی در فرآیندهای اقتصادی و مالی، نقش مهمی در جلب حمایت‌های داخلی و بین‌المللی دارد.

5. همکاری‌های بین‌المللی و تبادل دانش: تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه انتقال فناوری، دانش مدیریتی و سرمایه‌گذاری می‌تواند بهبود چشمگیری در وضعیت اقتصادی و بازار کار ایجاد کند. استفاده از تجارب موفق کشورهای دیگر در زمینه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی، راهنمایی‌های ارزشمندی برای سیاست‌گذاران افغان فراهم می‌آورد.

6. ارزیابی مداوم سیاست‌های اجرایی: تدوین سیستم‌های نظارتی و ارزیابی منظم جهت سنجش اثربخشی سیاست‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی، به شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود کمک خواهد کرد. این ارزیابی‌ها می‌تواند زمینه‌های بهبود و اصلاح در سیاست‌های جاری را مشخص نماید.

7. تحلیل عمیق‌تر عوامل اجتماعی و فرهنگی: که علاوه بر عوامل اقتصادی، نقش مهمی در تصمیم به مهاجرت دارند.

8. مطالعات میدانی گسترده‌تر: با استفاده از نمونه‌های تصادفی از میان مهاجران، به‌ویژه در کشورهای مقصد.

9. ارزیابی سیاست‌های اقتصادی: با استفاده از مدل‌های اقتصادسنجی پیشرفته به‌منظور سنجش تأثیر دقیق اصلاحات اقتصادی بر کاهش نرخ مهاجرت.

تشکر و قدر دانی

نویسنده این مقاله از رهبری محترم پوهنتون سلام و اعضای محترم بورد این کنفرانس مهم جهت همکاری در پذیرش، ارایه و چاپ نشر این مقاله کمال تشکر و قدر دانی دارند.

منابع

1. Ahmad, S., & Khan, M. (2018). Economic instability and migration patterns in South Asia: A case study of Afghanistan. *Journal of Migration Studies*, 12(3), 45-68.
2. Amnesty International. (2022). Afghanistan: The Establishment of the Islamic Emirate of Afghanistan and the Erosion of Human Rights.
<https://www.amnesty.org/en/latest/news/2022/08/afghanistan-eration-human-rights/>
3. Akseer, T., Wright, J., Everett-Mustafa, C., Akik, C., Al Kouatly, E., Ouma, D., & Jinnah, Z. (2022). The socioeconomic impact of armed conflict on women in Afghanistan. *BMJ global health*, 7(3), e008037.
4. Castles, S., & Miller, M. J. (2009). *The age of migration: International population movements in the modern world* (4th ed.). Palgrave Macmillan.

5. Rahimi, A. (2015). Economic challenges in Afghanistan: An overview of the post-conflict period. *Afghan Economic Review*, 7(2), 85-102.
6. Sen, A. (1999). Development as freedom. Alfred A. Knopf.
7. Todaro, M. P. (1969). A model of labor migration and urban unemployment in less developed countries. *The American Economic Review*, 59(1), 138-148.
8. International Organization for Migration (IOM). (2019). World Migration Report 2020. <https://publications.iom.int/books/world-migration-report-2020>
9. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR). (2022). Global Trends: Forced Displacement in 2021. <https://www.unhcr.org/62a9d1494/global-trends-report-2021>
10. UNHCR. (2020). Forced displacement in Afghanistan: Trends and policy responses. United Nations High Commissioner for Refugees. Retrieved from <https://www.unhcr.org/afghanistan-displacement-report>
11. World Bank. (2023). Afghanistan economic update: Navigating uncertainty. Retrieved from <https://www.worldbank.org/afghanistan-economic-update>
12. World Bank. (2022). Afghanistan Poverty Status Update: Towards Resilience and Economic Recovery. <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/099720005152298127/idc0d9d22d9ba0e8c04abca09628fc42e9e>

Analyzing the Relationship between Economic Factors Affecting Afghan Migration: Economic Crises and Job Opportunities

Researcher: Abdul Momin Azimi¹

¹Department of Animal Sciences, Faculty of Agriculture, Badghis Higher Education Institute, Afghanistan.

*Corresponding author's email: abdulmominazimi2017@Gmail.Com +93700800655

Abstract

this paper examines the economic factors influencing Afghan migration and analyzes the role of economic crises and job opportunities in exacerbating or reducing migration trends. From the perspective of migration theories and political economy, this research explores the relationship between economic fluctuations, financial crises, and the labor market with individuals' decisions to leave the country. The research method employs a mixed qualitative and quantitative approach, including a literature review, semi-structured interviews with experts, and statistical analysis of secondary data from international and domestic reports. The research findings indicate that economic crises such as inflation, currency devaluation, and high unemployment, coupled with a lack of job opportunities, are key factors driving increased Afghan migration. Given the presented findings, it appears that economic crises and a shortage of job opportunities are among the main factors that increase the motivation for Afghans to migrate. Policymakers and relevant institutions should address these challenges by adopting measures such as establishing appropriate economic infrastructure, improving the education system, and reducing administrative corruption, thereby facilitating societal stability and reducing migration rates. The present research can pave the way for more in-depth studies and the formulation of more effective policies in the areas of migration and economic development. The paper concludes by offering recommendations for policymakers and relevant institutions to mitigate the negative impacts of economic factors on migration.

Keywords: Migration, economic crisis, job opportunities, Afghanistan, economic analysis.